

## سبک زندگی معنوی حضرت فاطمه (س) الگویی برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی

دکتر مجتبی اخوان ارمکی<sup>۱</sup>

فاطمه حمیدیان

### چکیده

برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی باید همه نیازهای مادی و معنوی، انسان ها شناخته شود و از همه ظرفیت ها برای رشد و تعالی انسان استفاده کرد. از آنجا یکی از بارزترین ویژگی های شخصیتی حضرت زهرا (س) ارتباط عمیق معنوی او با خداست، که در کثرت عبادت و خویشتنداری حضرت تجلی نموده است. آن حضرت در زندگی اصولی معنوی خاصی را رعایت کرده اند، که به یقین با پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار، تمدن نوین اسلامی سرعت بیشتری خواهد گرفت. در این مقاله با مطالعه زندگی حضرت فاطمه (س) سعی شده است، سبک زندگی معنوی حضرت زهرا (س) بررسی شود. یافته های این تحقیق نشان می دهد که انسان با پیروی از سبک زندگی معنوی حضرت فاطمه (س) به خدا توکل خواهد کرد و با صبر در برابر مشکلات با مهرورزی و محبت به دیگران باعث پیشرفت تمدن نوین اسلامی خواهد شد. روش پژوهش کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی و تحلیلی می باشد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، سبک زندگی، حضرت زهرا (س)

<sup>۱</sup> - دکتری منابع طبیعی، سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور

Email: akhavan1330@yahoo.com

## مقدمه

تحولات اجتماعی در قرون اخیر با این تصور شکل گرفت که اصول و ارزش های دینی و معنوی، نقش ویژه ای در تغییر و تحولات عرصه سیاست و فرهنگ بین المللی ندارد. (منصوری، ۱۳۸۱: ۱۴۴) با پیروی این ایده، مبانی نگرش مادی در عرصه های اجتماعی، فراگیر و دین و معنویت از دخالت در اداره امور زندگی کنار گذاشته شد. این طرز تفکر مستلزم کناره گیری مذهب مبتنی بر وحی بود. لذا؛ بر سیاست تأثیری خاص گذاشت و از آن طریق، راه برای کم رنگ شدن معنویت دینی در زندگی فردی نیز هموار شد و به تدریج، دین ارزش سابق خود را از دست داد. در چنین شرایطی، انقلاب اسلامی از کشور ایران سر برآورد و در نقطه مقابل طرز تفکر مادی گرایانه در سیاست قرار گرفت. این ایده که دین را اساس زندگی انسان می دانست، راه را برای جمع میان حاکمیت الهی و حکومت مردمی باز می دید و با استفاده از مبانی معرفتی و فلسفی و حقوقی، دست به طرح ریزی بنای نظام سیاسی بر مبنای ارزش های معنوی زد.

در تعریف ماهیت معنویت، متفکران مسلمان دیدگاه های متفاوت و گاه متعارضی دارند. به طور کلی دو دیدگاه کلی در این زمینه وجود دارد: برخی از عرفا، معنویت را یک امر درونی می دانند و مقصود از آن را ارتباط نفس انسان با عالم ماوراء ماده و اتصال با غیب می دانند. این ارتباط، لزوماً شامل روابط بیرونی انسان نیست. در این نگاه، اصلاح عالم درون، التزامی با اصلاح عالم بیرون نخواهد داشت. به عبارت دیگر از میان سه رابطه وجودی انسان؛ یعنی رابطه با خدا، رابطه با خود و رابطه با دیگران، تنها دو مورد اول مورد توجه قرار می گیرد. در مقابل، دیدگاه دیگری هست که معتقد است اتصال با عالم معنا، در صورتی حائز اهمیت است که در شکل اصلاح روابط انسان با دیگران متجلی شود. علامه اقبال جمله ای در این زمینه دارد که تفاوت نبی با عارف در این است که نبی به معراج می رود و باز می گردد و پس از مشاهده عالم غیب، با زمینیان زندگی می کند و آن ها را به عالم غیب هدایت می کند. اما عارف اگر به معراج برود، هرگز باز نخواهد گشت. امام خمینی(ره) از منتقدین جدی و سرسخت عرفان و معنویت به معنای دوم بودند. موافقان ایده جدایی معنویات از امور اجتماعی و سیاسی دو دسته اند: برخی از آنها شأن دین و امور معنوی را بالاتر از آن می دانند که بخواهد وارد عرصه زندگی مادی و دنیایی و آلوده به امور زمینی شود. به همین جهت لازم است که در جای خود محفوظ باشد و درگیر مسائل دنیوی نشود. گروه دیگری اساساً دین را شایسته نظریه پردازی یا اعمال قدرت در اداره اجتماع نمی دانند. این گروه با معنویت زدایی از عرصه زندگی اجتماعی، فضا را برای انواع برداشت های مادی گرایانه مهیا کردند.

همزمان با شکل گیری انقلاب، ایده جدیدی برای رویکرد معنویت گرا در گفتمان سیاسی تشکیل شد. در نگاه انقلابی به دین و معنویت، موانع اجتماعی رشد معنوی انسان، باید کنار گذاشته شوند. بنابر این رهایی از سلطه و سیطره استبداد و دیکتاتوری، در جهت تحقق ارزش های انسانی و برای نیل به جامعه ای آزاد و دارای حق انتخاب، از نکات برجسته حضور دین در عرصه اجتماع است. در نگاه اجتماعی دین، زیر بار ظلم رفتن مثل ظلم کردن، هر دو از ناحیه عدم تزکیه است. اتکا بر قدرت معنوی و ارزش های اخلاقی، زمینه سوء استفاده های منفعت گرایانه را می بندد. «در نگاه مادی به قدرت، هر مظلومی به واسطه ی قرار گرفتن در موضع قدرت، گرایش به سلطه و استبداد پیدا می کند و ظالم می شود و انقلاب دیگری را زمینه سازی می کند.» (منصوری، ۱۳۸۱: ۱۴۴) و این تسلسل ادامه خواهد داشت. اما حرکت اجتماعی که نه بر مبنای طغیان و عصیان مطلق بر علیه وضع موجود در جهت به دست گرفتن قدرت، بلکه با محوریت ارزش های اخلاقی و در جهت کسب رضای خدا و برای احقاق حقوق مسلم انسان ها و به

انگیزه ایجاد شرایط برتر برای رشد مادی و معنوی توأمان، شکل می گیرد، کاملاً متفاوت از اقدامات قدرت محور است. اسلام یک مکتب ارزشی - فرهنگی است که در پی گسترش عدالت و ارزش های ناشی از عبودیت حضرت حق و رهایی از تعلقات غیرانسانی در عرصه های گوناگون حیات بشری به هدف حصول سعادت دنیوی و اخروی است. انقلاب اسلامی به واسطه صفت اسلامی و هویت معنویت گرایی شریعت اسلام، سرشار از ارجاعات معنوی است. برای نزدیک شدن به آرمان تحقق تمدن اسلامی که متأخر از داشتن جامعه اسلامی است، نمی توان تنها دغدغه اصلاح فرد داشت و اجتماع بماهو اجتماع را نادیده گرفت. ساختارهای حاکم بر یک اجتماع تازمانی که در جهت تحقق ارزش های الهی تغییر نکنند، تغییر افراد راه به جایی نخواهد برد. درست است که حرکت های بزرگ همیشه از یک فرد آغاز می شود، اما محدود کردن رسالت دین به زندگی فردی و نادیده گرفتن نقش آن در تغییر ساختارها، جفای بزرگی به دین است. رهبر انقلاب در ارتباط با نقش معنویت در انقلاب چنین فرموده اند: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد. هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی، آزادی خواهی، مردم سالاری و معنویت و اخلاق است. منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیست ها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خویش شعارش را می دادند، اشتباه کرد... این معنویت و اخلاقی را هم که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دینداری متحجر و ایستا در بسیاری جوامع اشتباه کرد. (خامنه ای، ۱۳/۱۶ / ۱۳۸۱)

### سوال های تحقیق

۱. برای تحقق تمدن نوین اسلامی آیا معنویت در جامعه لازم است؟
۲. آیا سبک زندگی معنوی حضرت زهرا (س) می تواند الگویی برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی باشد؟
۳. حضرت زهرا (س) چه اصول معنوی را در زندگی رعایت می کردند؟

### پیشینه تحقیق

درسال (۱۳۸۹) فضلی نژاد، صغری و همکارانش تحقیقی با عنوان «رابطه معنویت و تمدن» انجام داده اند. در این تحقیق نویسندگان معنویت را یکی از نیاز های عالی روح انسان معرفی کرده اند، که سبب می شود افق دید انسان منحصر به دنیا نباشد؛ زیرا این محصوریت ملازم با پاره ای از حوادث اجتناب ناپذیر است، که انسان را بیش از گذشته تهدید می کند. بنابراین، بازگشت به معنویت درمان بسیاری از دردهای انسان معاصر است. یافته های این تحقیق نشان می دهد؛ سلامت روانی افرادی که دارای تجربه های معنوی عمیق هستند، نسبت به سایر افراد در سطح بالاتری قرار دارد.

عباس نژاد، محسن و همکارانش در سال (۱۳۹۱)، تحقیقی با عنوان «نقش معنویت و دین بر اجتماع» انجام داده و به این نتیجه رسیده اند؛ برای رسیدن به بهداشت روانی و آرامش، رابطه با خالق هستی، نقش بارزی دارد. لذا؛ یکی از راه های پیشگیری از بروز بیماری های روانی و تأمین سلامت روان، بازگشت به دین و معنویت، پیروی از سیره انبیاء و اولیای خداست.

در سال (۱۳۸۶) کیانی، محمد حسین در تحقیقی با عنوان «جایگاه معنویت گرایی در تمدن اسلامی» معتقد است، بخش عمده سلامت از جان و روان سرچشمه می گیرد. نگارنده در این تحقیق تلاش می کند، تا رابطه معنویت در آموزه های اسلام و عرفان های سکولار بپردازد و در آخر بر ادعای تأمین معنویت بر تمدن اسلامی صحه می گذارد.

### اهمیت موضوع

تمدن نوین اسلامی نوعی احیاء تمدنی است که در قرن چهارم به اوج و شکوفایی خود رسید و گاهی از آن تعبیر به رنسانس اسلامی می شود. اصطلاح «تمدن سازی نوین» که در سال های اخیر در فرمایشات رهبر معظم انقلاب مطرح شده است، همان احیاء تمدن اسلامی و ایجاد تمدنی نوین بر پایه پیشرفت همه جانبه است. ایشان در این زمینه فرموده اند: «یک روزی مردم اروپا با استفاده از دانش مسلمین و فلسفه مسلمین توانستند از این دانش و فلسفه استفاده کنند و یک تمدنی را برای خودشان شالوده ریزی کنند. این تمدن البته تمدن مادی بود ... تمدنی که آنها به دنیا عرضه کردند، جلوه های زیبایی از فناوری و سرعت و سهولت و ابزارهای زندگی را در اختیار مردم گذاشت، اما خوشبختی انسان ها را تأمین نکرد، عدالت را برقرار نکرد. بعکس، بر فرق عدالت کوبید، ملت هایی را اسیر کرد، ملت هایی را فقیر کرد، ملت هایی را تحقیر کرد؛ در درون خود هم دچار تضادها شد، از لحاظ اخلاقی فاسد شدند، از لحاظ معنوی پوک و پوچ شدند. امروز خود غربی ها به این معنا گواهی می دهند. یک سیاستمدار برجسته ی غربی به من گفت دنیای ما دنیای پوچ و پوکی است و این را حس می کنیم. راست می گوید؛ این تمدن ظاهر پُرزرق و برقی داشت اما باطن خطرناکی برای بشریت داشت. امروز تضادهای تمدن غربی خود را دارد نشان می دهد؛ در آمریکا یک جور، در اروپا یک جور، در مناطق تحت سلطه ی اینها در سراسر دنیا هم یک جور. امروز نوبت ما است، امروز نوبت اسلام است. «وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ» امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده ریزی کنند. همچنان که اروپایی ها آن روز از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما [هم] امروز از دانش جهان استفاده می کنیم، ابزارهای موجود جهانی استفاده می کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است». (خامنه ای، ۱۳۹۴) لذا؛ بررسی این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

## تعاریف واژگان

### تعریف تمدن نوین اسلامی

تمدن در زبان عربی از مدن گرفته شده و به معنای اقامت کردن و پیدا کردن اخلاق شهرنشینان است. (لوئیس معلوف، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۷۶۶) در فرهنگ های فارسی هم تمدن به معنای شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن، همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و مانند آن آمده است. (معین، ۱۳۵۴: ج ۱، ۱۱۳۹) اگرچه انتساب به شهر و شهرنشینی ملاک تمدن است، اما باید توجه داشت که تمدن لزوماً به معنای شهرنشینی نیست، بلکه انسان متمدن آن است که وارد مرحله شهرنشینی شده و درحقیقت، شهرنشینی معلول تمدن بوده است.

ویل دورانت در تعریف تمدن می نویسد: «تمدن، نظامی اجتماعی است که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره گیری از اندیشه ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می زند. نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، نگه دارنده آن می باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند». (ویل دورانت، ۱۳۸۱: ج ۱، ۳) ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می آورد. (هانگینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷)

ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می داند، که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیر گشته و پایگاه های حکومتی تشکیل داده است، تا بتواند بر حفظ نظم نظارت داشته باشد و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورده و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده است. (ابن خلدون، ۱۳۷۵: ج ۱، ۷۶) او عقیده دارد؛ برای ایجاد تمدن هفت عامل مؤثر است: ۱. دولت و رهبر ۲. قانون دینی یا عرفی ۳. اخلاق ۴. کار ۵. صنعت ۶. جمعیت ۷. ثروت.

## بهترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

از دیدگاه ابن خلدون سه عنصر اول عناصر اصلی و مهم تر از چهار عنصر دیگر دانست.

علامه جعفری تمدن را این گونه تعریف می کند: «تمدن تشکّل هماهنگ انسان ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه افراد و گروه های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی در همه ابعاد مثبت است». (جعفری، ۱۳۵۹: ج ۵، ۱۶۱)

لامه مودودی در تعریف تمدن، انسان را محور اساسی دانسته و بر پنج نقطه اساسی زیر تاکید می نماید:

۱. تصور انسان در مورد زندگی دنیا

۲. هدف زندگی

۳. عقاید و افکار

۴. تربیت افراد جامعه

۵. نظام اجتماعی (المودودی، ۱۳۹۰: ۲)

بنابراین، هرگاه درباره تمدن بحث شود، لازم است سه عنصر اساسی، باور و اندیشه های انسان، پیشرفت ها و دستاورد در ساحات مختلف و نتایج این اندیشه ها و پیشرفت ها مورد مطالعه قرار گیرد. بر این اساس تمدن اسلامی را می توان چنین کرد: تمدن اسلامی عبارت از مجموعه ای از اعتقادات، باورها، اخلاقیات، علوم و داشته های فرهنگی و آثار و نتایج آن دربخش های مختلف به اساس عملکرد به این باور ها می باشد.

اگر به تاریخ بنگریم، یکی از ره آوردهای مهم اسلام در حیات بشری، پایه گذاری تمدن باشکوهی است که در برهه ای از تاریخ، بسیاری از سرزمین ها را زیر نفوذ داشت و از حلقه های درخشان تمدن بشری به شمار می رفت که از آن با عنوان تمدن اسلامی یاد می شود. تمدن اسلامی را می توان حاصل دو جنبه دانست: یک جنبه آن به وسیله خود اسلام پدید آمد و در پرتو ابتکار مسلمانان گسترش یافت. منشأ این جنبه از تمدن اسلامی، قرآن و سنت بود. جنبه دیگر تمدن اسلامی، نه ابداع مسلمانان، بلکه میراث به جای مانده از تمدن های پیشین در قلمرو اسلام بود که به دست مسلمانان توسعه و تکامل یافت و به رنگ اسلام درآمد. روی هم رفته، تمدن اسلامی میراث مشترک مردم و ملت هایی است که روزگاری اسلام در سرزمین آنها نفوذ کرد و در ساخت و شکوفایی تمدن اسلامی ایفای نقش کردند. به این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاصی تعلق دارد و نه تمدنی ملی است که به مردم خاصی تعلق داشته باشد، بلکه همه گروه های نژادی و قومی را که در پیدایش، رونق و طراوت و گسترش آن نقش داشته اند، در برمی گیرد. (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۳۵)

تمدن نوین اسلامی با تعریف دوباره فرهنگ اسلامی بر مبنای شرایط و اقتضات دنیای جدید محقق می شود. این تمدن واجد مؤلفه های بسیاری است که برخی از آن ها عبارتند از: دین بنیاد بودن، اخلاق مداری، خودباوری، استقلال، عزت، عدالت، خردمداری است.

این گونه به نظر می رسد که بررسی دقیق علل و عوامل شکل گیری تمدن نوین اسلامی که علاوه بر بهره بردن از سنت باسابقه دینی، متناسب با مقتضیات دنیای جدید باشد، با دشواری و پیچیدگی های خاصی همراه است و در این زمینه تفاوت زیادی میان آراء موجود حاکم است. اما آنچه می توان به عنوان وجه مشترک نظرات متفکران اسلامی در این باره ذکر کرد، «توحید محوری و حاکمیت ارزش های معنوی» است.

سبک زندگی

در جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است. دیگر به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می یابد. در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می یابد (ابادری، ۱۳۸۱: ۱۴).

در فرهنگ علوم اجتماعی سبک زندگی چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی است، که چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... را شامل می شود.

«گیدنز» سبک زندگی را مجموعه ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می داند، که مستلزم مجموعه ای از عادت‌ها و جهت گیری‌هایی است که از نوعی وحدت برخوردار است (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۴).

سبک زندگی مفهومی است که با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می یابد. در جامعه معاصر برخلاف جوامع سنتی به واسطه اهمیت خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است. بنابراین، پدیده اجتماعی سبک‌های زندگی از اجزای سازنده تحولات مدرنیته تلقی می گردد؛ زیرا سبک‌های زندگی باز نمودی از جستجوی هویت و انتخاب فردی است.

به طور کلی، در بررسی تعاریف موجود درباره سبک زندگی با دو رویکرد اصلی مواجه می شویم. گروهی که سبک زندگی را مجموعه رفتارهای عملی و آنچه در زندگی اجتماعی افراد به صورت عینیت یافته مشاهده می شود، می دانند و گروه دوم ارزش‌ها و نگرش‌ها را نیز در زمره سبک زندگی به حساب می آورند. پس می توان گفت: سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌هایش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می کند.

### معنویت

معنویت در لغت به معنای معنوی بودن، مربوط و منسوب به معنی حقیقی، راستی، اصلی، ذاتی، مطلق، حقیقی، روحانی در مقابل مادی، ظاهری و صوری آمده است. (معین، ۱۳۵۴، ج ۴: ۷۶۳) معنویت آن جنبه از حیات فردی و جمعی است که بیانگر رابطه‌ای آگاهانه‌ای است که فرد در ارتباط با امور متعالی دارد. پیش فرض این مفهوم این باور است که امور متعالی وجود دارند و روح بشر می تواند با آن ارتباط برقرار کند. (کریستین دلبیو، ۱۳۹۱: ۲۰) به عبارتی دیگر معنویت نحوه‌ای از مواجهه با جهان هستی است که نتیجه‌اش حالت‌های نفسانی نامطلوبی مانند: غم و اندوه، ناامیدی، دلهره و اضطراب، احساس سرگشتگی و سردرگمی، احساس بی‌معنایی و بی‌هدفی و... تا آنجا که امکان‌پذیر است، در انسان پدید نیاید و موجب رضایت باطن می شود.

واژه معنویت در قرآن و روایات بدین شکل نیامده، ولی با توجه به معنای لغوی آن می توان گفت: منظور از آن، عالم باطن و حقیقت روح جهان مادی و ظاهری است که بهترین واژه قرآنی نزدیک به آن حیات طیبه و نور الهی است. در قرآن آمده است: «أَوْمَنَ كَانْ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا ۗ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (قرآن، انعام، ۱۲۲) آیا کسی که مرده بود و ما زنده اش کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله آن در میام مردم راه می رود،

مانند کسی است که در تاریکی ها قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست؟ اینگونه برای کافران آنچه انجام می دهند، زینت داده شده است.

«علامه طباطبایی» در تفسیر این آیه می نویسد: «به راستی در مؤمن، حقیقت و واقعیتی داری اثر وجود دارد که در دیگران وجود ندارد و این حقیقت سزاوارتر است به اینکه اسم حیات و زندگی بر آن گذشته شود، تا بر آن حقیقتی که در دیگر مردم است و آن را در مقابل حیات نباتی، حیات و زندگی حیوانی می نامیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۶۶).

این آیه در بردارنده مفاهیم ذیل است:

۱. مشرک، مرده و بی بهره از حیات معنوی و روحانی است.
۲. راهیابی به توحید و ایمان موجب حیات انسان می شود.
۳. ایمان، حیات و مولد نور است، اما کفر مرگ و تاریکی است.
- ۴ کافران گمراه، در چنان ظلماتی اسیرند، که امیدی به رهایی آنان نیست.
۵. مؤمن با نور الهی مسیر صحیح حرکت را در جامعه و بین مردم در می یابد.
۶. نور ایمان، روشنگر خطوط و افکار مختلف جامعه برای مؤمنان است.
۷. توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخوردارگی از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان است.
۸. مؤمن در جامعه، عنصری پویاست.

با توجه به آیه و تعبیراتی که در آن آمده، می توان معنویت را چنین تعریف کرد. معنویت برآیندی است که از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی حاصل می شود. بدین ترتیب:

۱. اگر حیات طیبه و نورانیت دل به دست نیاید، معنویتی حاصل نشده است.
۲. بدون معرفت نسبت به حقایق عالم و ملکوت جهان مادی و نیز ایمان به خدا و صفات و افعال او، معنویت مفهومی ندارد.
۳. بخش عظیمی از معنویت در پرتو کارهای شایسته و نیکو شکل می گیرد و عمل صالح لازمه ایمان صحیح و مقوم معنویت و شرط لازم آن است و نقیض آن عمل زشت نیز نابود کننده معنویت است.

آموزه های اسلامی عمیق ترین و جامع ترین معارف الهی را در ابواب گوناگون عرضه می دارد و افزون بر آن اعمال شایسته را به بهترین شکل تبیین کرده است که می تواند معنویتی بزرگ را پایه گذاری نماید.

خداوند منبع، محور و بخشاینده معنویت است و بدون ارتباط با او از رهگذر بندگی واقعی و عبودیت، معنویت پوچ و مجازی است. معنویت منهای خدا چیزی جز فریب و دل مشغولی ظاهری نیست. حیات طیبه و تابش انوار ربوبی بر قلب از سوی خدای تعالی است و ایمان و عمل صالح زمینه آن را فراهم می سازند. بنابراین، معنویت افاضه ای از سوی حق است.

معنویت در نقطه ثابتی توقف نمی کند، بلکه شدت و ضعف و ارتقا و افول دارد. در افراد گوناگون، درجات مختلف دارد و در یک فرد نیز ممکن است کاهش و فزونی یابد، چنانکه قرآن مجید می فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (قرآن، تین، ۵و۴) به راستی که انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم، سپس او را به پست ترین پستی باز گردانیدیم.

ایمان و عمل صالح، جان بنده را برای تابش انوار معنویت آماده می سازند. با رشد ایمان و اخلاص در عمل و به تناسب آن معنویت روبه رشد و فزونی می گذارد و آثارش را آشکار می سازد.

## تجلی معنویت در انسان

تجلی معنویت در انسان به شکل های زیر آشکار می شود:

الف. روحیه شهامت، شجاعت و فداکاری به انسان می بخشد. زیرا معنویت نفس را از قید و بند سلطه دیگران آزاد می کند و به انسان گوشزد می کند بخشنده عمر خداست و فداکاری و شجاعت چیزی از عمر او نمی کاهد؛ «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا» (قرآن، آل عمران، ۱۴۵) و هیچ کس را نسزد که بمیرد مگر به فرمان خداوند وقت آن را دقیقاً در مدت مشخص و محدودی ثبت و ضبط کرده است.

ب. اعتقاد به رزاقیت حق تعالی، انسان معنوی گرا همه چیز را از خدا می خواهد، از روزی دهنده ای که تحت تأثیر هیچ انسان حریص و ناخشنودی قرار نگرفته و هیچ کس او را از کارش منصرف نمی کند؛ «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (قرآن، هود، ۶) هیچ جنبه ای در زمین نیست مگر اینکه روزی آن برعهده خدا است و محل زیست و دفن او را می داند، همه اینها در کتاب روشنی است.

ج. اطمینان قلبی و آرامش روحی، قرآن می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (قرآن، رعد، ۲۸) آن کسانی که ایمان می آورند و دل هایشان با یاد خدا سکون و آرامش پیدا می کند. بدرستی که دل ها با یاد خدا آرام می گیرند. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (قرآن، فتح، ۴) خداست که به دل های مؤمنان آرامش و اطمینان خاطر داده است، تا ایمانی برایمان خود بیفزایند. چنین انسانی خود را از دام شهوات نفسانی و مادیات و لذت های زودگذر دنیایی می رهاوند و سعادت و خوشبختی را در عفت، پاکدامنی، شرافت و برپایی جامعه ای سالم و انسانی می داند و خود را متوجه کارهایی می کند که به خیر و صلاح خود و جامعه می باشد.

د. برخورداری از زندگی پاکیزه، زیرا خداوند خواستار آن است که مؤمنان در همین دنیا و پیش از رسیدن به سرای آخرت، هر چه زودتر صاحب زندگی پاکیزه ای شوند؛ «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (قرآن، نحل، ۹۷) هر کس چه زن و چه مرد کار شایسته ای انجام دهد و مؤمن باشد، به او زندگی پاکیزه و خوشایندی می بخشیم و پاداش آنان را برطبق بهترین کارهایشان خواهیم داد.

## سبک زندگی معنوی حضرت زهرا (س) الگویی برای زیربنای تمدن نوین اسلامی

حضرت فاطمه زهرا (س)، دختر پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در میان زنان و بانوان دین اسلام محبوب ترین چهره دینی است. حضرت امام جعفر صادق (ع) از قول رسول اکرم (ص) او را چنین معرفی کرده اند: «خداوند نور فاطمه را قبل از خلقت آسمان و زمین آفرید. عده ای سؤال کردند: پس فاطمه (س) از سنخ انسان نیست؟ پیامبر (ص) فرمودند: او حوریه ای در لباس انسان است. پرسیدند: چگونه چنین چیزی امکان دارد؟ رسول خدا (ص) فرمودند: خداوند قبل از آن که آدم را خلق کند، فاطمه (س) را آفرید. در آن هنگام ارواح خلق شده بودند. چون خداوند آدم را خلق کرد، ارواح را بر او عرصه داشت. پرسیدند: در آن زمان فاطمه (س) کجا بود؟ آن حضرت فرمودند: در جایگاه مخصوص خود در ساق عرش. پرسیدند: غذایش چه بود؟ پیامبر (ص) فرمودند: ذکر خدا و الله اکبر. چون خداوند، آدم را خلق کرد و دوست داشت که نسل من از فاطمه باشد، او را به سیب بهشتی تبدیل کرد. جبرئیل آن سیب را برای من آورد و گفت: سلام و رحمت خداوند بر تو ای محمد. این سیب میوه ای از میوه های بهشت است که خداوند برای تو هدیه فرستاده است. پس آن را گرفتم و به سینه چسباندم. جبرئیل گفت: آن را بخور. سیب را دو نیمه کردم. نور درخشان و گسترده ای از



## هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

آن پرتو افشانی کرد. جبرئیل گفت: ای محمد جان چرا نمی خوری؟ تمام آن را بخور. که این نور منصوره در آسمان و نور فاطمه در زمین است» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۳، ۴).

سپس پیامبر (ص) چگونگی ایجاد عرش را که از نور حضرتش بوده و خلقت ملائکه را که از نور علی (ع) بوده است، برشمردند تا به این مطلب رسیدند: «خداوند نور دخترم فاطمه (س) را شکافت و از آن آسمان و زمین را خلقت کرد. بنابراین؛ آسمان و زمین از نور دخترم فاطمه (س) روشن است و نور فاطمه (س) از خداست و مقام فاطمه از آسمان و زمین برتر است» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۱۵، ۱۰).

حضرت فاطمه (س) که تمام اعمال و رفتارش عبادت است، در زندگی اصولی را رعایت کرده اند، که به یقین پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار اساس تمدن نوین اسلامی ریخته خواهد شد.  
برخی از این اصول عبارتند:

### ۱. توکل به خدا

در زمانی که فرشته وحی از شهادت امام حسین (ع) در کربلا خبر داد، رسول خدا (ص) این پیام تلخ را برای دخترش حضرت فاطمه (س) بازگو کردند. آن حضرت تنها از محل قتل فرزندش پرسیدند و پس از شنیدن نام کربلا، جمله‌ای سراسر تسلیم به پروردگار خود عرض کرده، فرمودند: «یا ابا سلمت و رضیت و توکلت علی الله» ای پدر در برابر خواسته‌های خداوند تسلیم و راضی‌ام و به او توکل کرده‌ام. (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۴، ۲۶۴) و این توکل تا به آن جا رسیده بود، که روزی پیامبر اکرم (ص) از او پرسیدند: فاطمه جان، اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خداوند پیام آورده، تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد، اکنون چه خواستی و حاجتی داری بگو تا برآورده سازد.

حضرت فاطمه (س) فرمودند: «شغلی عن مسألته لذه خدمته لا حاجة لی غیرالنظرالی وجه الکریم» (دستی، ۱۳۷۴: ۹۹) لذتی از حضرت حق می‌برم که مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.  
حضرت امام رضا (ع) درباره توکل فرمودند: «التوکل درجات: منها ان تثق به فی امرک کله فیما فعل بک، فما فعل بک کنت راضیا و تعلم انه یا لک خیرا و نظرا. و تعلم انّ الحکم فی ذلک له، فتتوکل علیه بتفویض ذلک الیه و من ذلک ایمان بغیوب الله الّتی لم یحط علمک بها فوکلت علمها الیه و الی امانه علیها و ثقت به فیها و فی غیرها» (حرانی، ۱۴۰۱: ۸۰۴) توکل در جاتی دارد؛ یکی از آنها این است که در هر کاری که مربوط به توسل به او اعتماد کنی و از آنچه که نسبت به تو انجام می‌دهد، خشنود باشی و بدانی که او جز خیر برای تو نمی‌خواهد و بدانی که حکمت در این است که کارت را به او واگذار کنی و به او توکل نمایی و دیگر اینکه به علام الغیوبی او که علم تو به آن نمی‌رسد، مؤمن باشی، که علم آن مخصوص خداست.

توکل، یعنی؛ تسلیم بودن در برابر اوامر الهی و خشنودی به قضا و فرمان اوست. واژه توکل و مشتقات آن در ۴۸ آیه از ۲۸ سوره قرآن و ۷۰ بار آمده است. به نظر راغب کلیه آیات مذکور دو معنای ولایت پذیری و اعتماد کردن به خداست (راغب، ۱۴۰۱: ماده توکل).

توکل از نظر طبرسی واگذارن و سپردن امور خویش به خداوند و اعتماد کردن به حسن تدبیر اوست (طبرسی، ۱۴۰۱: ج ۳، ۵۶۲).  
از دیدگاه علامه طباطبایی انسان زمانی که به خداوند توکل می‌کند، در حقیقت به یک سبب و علتی توسل می‌جوید که غیر مغلوب است و همین امر باعث تقویت اراده و قدرت روح وی می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۶۵).

محي الدين عربى توکل را، اعتماد قلبی به خداوند متعال می داند، به طوری که انسان در صورت فقدان اسباب ظاهری در عالم برای رسیدن به هدف دچار اضطراب نمی شود و اگر اضطراب بر او مستولی شد، چنین فردی متوکل نیست. لذا، انسانی که بر خدا توکل دارد، چون می داند همه کارها به دست خداوند انجام می شود و صلاح و مصلحت بدست اوست، در برابر مشکلات صبر و شکیبایی پیشه می سازد و هیچگاه جزع و بی تابی نمی کند؛ که توکل به خداوند آثار فراوانی چون قوت قلب، حسن یقین، آسان شدن مشکلات، رفع تردیدها، سهولت اسباب، نجات از حرص و آز و کفایت در امور زندگی را به همراه دارد (عبدالواحد الامدی، ۱۳۶۶: ۱۹۷).

انسان باید در زندگی در کلیه امور به خداوند توکل کند و بداند خداوند هر چه برایش مقدر ساخته به مصلحت اوست. پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرمودند: «کل ما اتاکم الله فهو جمیل» (دیلمی، ۱۴۱۵: ۲۳) آنچه از جانب خداوند به انسان می رسد، خیر و زیبایی است. این اصل به انسان می فهماند که نگاه ما باید به مسائل و رویدادها مثبت باشد. یعنی، هم خوشی ها را خیر و خوبی بدانیم و هم نامایمات را خیر تلقی کنیم و بدانیم حوادث شیرین زندگی «خیر جلی» است، زیرا ظاهر و باطن آن هر دو پسندیده است و نامایمات هم خیر است. اما آن «خیر خفی» است، زیرا اگر چه ظاهرش ناپسند به نظر می رسد، اما در حقیقت به مصلحت ماست و آن هم خیر است. آن گونه که حضرت زینب (س) بعد از آن همه مصایب در کربلا و کشته شدن برادر و برادر زاده هایش وقتی سوال کردند در قتلگاه چه دیدی؟ فرمودند: «ما رایت الا جمیلا» (خوارزمی، ۱۳۵۶: ۳۵۷) من چیزی جز زیبایی و خیر ندیدم. انسانی که به خدا توکل می کند، اگر چه در زندگی او نامایماتی هم بوجود آید، آنها را خیر و خوبی تلقی خواهد کرد و از زندگی راضی خواهد بود و خود را بدبخت و درمانده احساس نخواهد کرد. حضرت امام رضا (ع) فرمودند: «الایمان اربعة ارکان: التوکل علی الله، والرضابقضاءالله، والتسلیم لامرالله، والتفویض الی الله» ایمان چهار رکن دارد: توکل به خدا، راضی بودن به قضای الهی، تسلیم بودن به امر او و واگذاشتن تمام کارها به خداوند است (حرانی، ۱۴۰۱: ۴۴۵).

## ۲. مهرورزی

حضرت زهرا (س) پیوسته به دیگران محبت می کردند. بخشش او به سائل در شب عروسی و محبت به کنیزانش در ایام عمر کوتاه، ولی پربرکتشان زبانزد خاص و عام است. آن حضرت درباره مهرورزی می فرمودند: «خیارکم الینکم مناکبه واکرمهم لنسائهم» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۷۲، ۴۰۱) بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم تر و مهربان تر است و ارزشمندترین افراد کسی است که با همسر و زنان خانواده مهربان و بخشنده باشد.

یکی از اصول که برای آرامش روانی لازم است، مهرورزی و عشق و محبت به دیگران است. همان گونه که پیامبران و مردان الهی به خاطر محبت، بر قلب های خود و مردم حاکم شده بودند. حضرت علی (ع) در این باره فرموده اند: «قلوب الرجال وحشیه، فمن تالفها اقبلت علیه» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: ۲۴۸) دل های مردم گریزان هستند، پس به کسی روی می آورند که خوشرویی کند و با محبت باشد.

حضرت زهرا (س) مهرورزی را از ابزارهای خوشبختی و رسیدن به آرامش روحی می دانستند. (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۶۴۳) لذا؛ سفارش می کردند به یکدیگر هدیه بدهید؛ که «الهدیه تذهب الفعائنمن الصدر» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۷) هدیه کینه ها را می زداید. همچنین، می فرمودند: «صل رحمک و لو بشربه من ماء و افضل ما توصل به الرحم کف الاذی عنها وصله الرحم منسأه فی الاجا، محبیه فی الاهل» (محدث نوری، ۱۴۰۷: ج ۱۲، ۱۰۳) به خویشاوندانت بخشش کن، اگر چه به نوشیدن آبی باشد و برترین

## هفتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

بخشش به خویشاوندان آن است که به آنها آزار نرسانی. صله رحم مرگ را به تاخیر می اندازد و مایه دوستی در خانواده و خویشاوندان می شود.

برای چگونه مهرورزیدن حضرت امام رضا (ع) دستور العمل جامعی بدین شرح ارائه نموده اند: «اتق فی جمیع امورک، و احسن خلقک، واجمل معاشرتک مع الصغیر والکبیر، وتواضع مع العلماء واهل الدین، وارفق بما ملکت یمینک، و تعاهد اخوانک، و تسارع فی قضاء حوائجهم، وایاک والغیبه والنمیمه و سوءالخلق مع اهلک و عیالک، واحسن مجاوره من جاورک، فان الله یسالک عن الجار وقد روی عن رسول الله ان الله تبارک و تعالی اوصانی فی الجار حتی ظننت انه یرثنی، و بالله التوفیق» (فقه الرضا، ۱۴۰۶: ۴۰۱).

۱. در همه جا و جمیع امور تقوا داشته باش.
۲. خلق و خوی خود را نیکو گردان.
۳. معاشرت خود را با کوچک و بزرگ نیکو قرار بده.
۴. در مقابل علما و دانشمندان تواضع کن.
۵. در مقابل دینداران و اهل دیانت متواضع باش.
۶. با زیر دستان خود با نرمی رفتار کن.
۷. نسبت به برادران دینی متعهد باش.
۸. در برآوردن حوائج برادران دینیت تسریع نما.
۹. از غیبت کردن و سخن چینی و بد خلقی با اهل و عیال خود پرهیز کن.
۱۰. با همسایگان خود به نیکی رفتار کن، که خداوند در مورد حق همسایه از تو سؤال خواهد کرد. از پیامبر خدا (ص) روایت شده است که فرمود: آن قدر خدای تبارک و تعالی مرا در باره همسایه توصیه کرد که گمان کردم همسایه از من ارث می برد.

### ۳. خوش بینی

حضرت امام حسن مجتبی (ع) مادرش حضرت فاطمه (س) را دیدند که همواره برای همسایگان و دیگر مسلمانان دعا می کردند. آن بزرگوار خطاب به مادرش فرمودند: مادر جان، چرا برای خودت دعا نمی کنی؟ آن حضرت پاسخ دادند: «الجار ثم الدار» اول همسایه و سپس خانه را باید دعا کرد.

همچنین «اسماء» همسر جعفر طیار نقل کرده است، که در لحظه های پایانی زندگانی حضرت فاطمه (س) متوجه آن بزرگوار بودم. ابتدا غسل کرد و لباس ها را عوض نمود و در خانه مشغول راز و نیاز با خداوند شد. جلو رفتم، دیدم که رو به قبله نشسته و دست ها را به سوی آسمان برده، اینگونه دعا می کند: «الهی و سیدی اسئلک بالذین اصطفیتهم و بیکاء ولدی فی مفارقتی ان تغفر لعصاه شیعتی شیعه ذریتی» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۹). پروردگارا، بزرگایا، به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه های حسن و حسین در فراق من، از تو می خواهم از گناهان شیعیان من و شیعیان فرزندان من درگذری و چون آن حضرت از رسول خدا شنیده بود که در روز جمعه ساعتی هست که هر خواسته خیر و نیکی در آن ساعت به اجابت می رسد، آن حضرت در هر روز جمعه در آن ساعت برای دیگران از خداوند طلب خیر می کرد.

خوش بینی روشی برای باز گرداندن فکر از ناخوشنودی ها به خوش های زندگی است. در این روش امور فرح بخش و شادی آور وارد فضای روحی روانی انسان می گردد و از شدت درد و رنج انسان کاسته می شود.

## بهترین کتیراس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

لذا، حضرت امام رضا (ع) فرمودند: «مؤمن کسی است که وقتی نیکی کرد خوشحال می شود و وقتی بدی کرد استغفار می کند و مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او سلامت باشند و از ما نیست کسی که همسایگان از آفت او ایمن نباشند». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۸، ۵۶۵) باز فرمودند: «اگر از مردی یاد کردید و او حاضر بود با کینه او را بخوانید و اگر غایب بود با نام او را بخوانید». (حرانی، ۱۴۰۱: ۴۵۰) زیرا کسی که نسبت به مردم خوش گمان باشد، می تواند دوستی آنها را به دست آورد (عبدالواحد الامدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳).

از فرمایشات حضرت فاطمه (س) چنین برداشت می شود که خوش بینی، علاوه بر سلامت دنیوی و آرامش روانی و نجات از بیماری های روحی، سلامت اخروی نیز برای انسان فراهم می کند. کسی که دارای حسن ظن به خداوند باشد، به فوز بهشت نایل می شود. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۴۳۰) به طور یقین حسن ظن و خوش بینی، راحتی قلب و سلامتی دین را تضمین می کند. (عبدالواحد الامدی، ۱۳۶۶: ۲۵۳) در مقابل خوش بینی، بدگمانی و سوء ظن قرار دارد، که خداوند در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (قرآن: حجرات، ۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان بپرهیزید. همانا بسیاری از گمان ها گناه است.

هنگامی که انسان سوء ظن پیدا کند، روح او ناتوان و فرسوده می شود. آنگاه این بیماری به جسم اثر می گذارد، وقتی بیماری به جسم انسان راه پیدا کند، جسم ضعیف شده، پذیرای بیماری های دیگر می شود. حضرت علی (ع) فرمودند: «بدگمانی، کارهای انسان را نابود می کند و انگیزه انجام امور شر را در او به وجود می آورد» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ۲۸۳).

بدگمانی کارهای انسان را فاسد می کند و باعث می شود که به خاطر این حالت روانی، دست به هر کاری بزند. کارها را به پایان نبرد و آن طور که باید، حق هر کاری را ادا نکند.

لذا؛ سوء ظن انسان را نه تنها گرفتار بیماری غیبت، تهمت و جاسوسی، ترس، بخل و حرص می کند، بلکه در انسان انگیزه انجام همه بدی ها را به وجود می آورد که سوء ظن انسان سالم را بیمار و دل های آرام را مضطرب و پریشان می سازد.

### ۴. صبر در برابر مشکلات

حضرت فاطمه (س) در برابر آن همه مشکلاتی که برای آن حضرت و همسرش به وجود آوردند، به فرمان ولی خود از مسجد به خانه برگشتند و فرمودند: «اصبر و اسمع له و اطیع» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۵: ج ۳، ۱۱۸) صبر می کنم و سخن آن بزرگوار را می پذیرم و از او اطاعت می کنم.

همچنین، هنگامی که رسول خدا (ص) به او فرمودند: «تلخی ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز.» در جواب آن حضرت فرمودند: «یا رسول الله، الحمد لله علی نعمائه و الشکر لله علی آلائه» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۴۳، ۸۶) ای رسول خدا، حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست، در برابر نعمت های بیکران که ا عطا کرده است.

دنیا محل سختی ها و مشکلات است، که خداوند فرمودند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» چون ما دنیا را محل راحتی و آسایش می دانیم از رسیدن مشکلات و سختی ها آزرده خاطر می شویم. از امام رضا (ع) درباره بهترین بندگان خدا سوال کردند، آن حضرت فرمودند: «الذین اذا احسنوا استبشروا و اذا اسأوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا عفوا» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۶۳) کسانی هستند که چون نیکی کنند از توفیقی که یافتند، شاد شوند و هر گاه کار بدی انجام دهند، از خدا آمرزش

## بهترین کتیرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ شرف؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

خواهند. هر وقت به آنها عطایی شود، شکر گزارند و چون در بلایی افتند، شکیبایی ورزند و هنگام خشم از مورد غضب در گذرند. حضرت امام رضا (ع) از بیان بهترین صفات بندگان خدا، صبر را ذکر کرده اند.

خداوند به حضرت عیسی (ع) فرمودند: «یا عیسی اصبر علی البلاء و ارض بالقضا و کن کمسرتی فیک فان مسرتی ان اطاع فلا اعصی» (حرانی، ۱۴۰۱: ۵۹۳) ای عیسی بر بلا صبر کن، به قضا تن در ده، چنان باش که من خوش دارم و خشنودی من در این است که اطاعتم کنند و نافرمانی نکنند. پس خشنودی خداوند از کسانی است که در مقابل بلایا صبر و شکیبایی دارند.

باید این حقیقت را بدانیم که راحتی برای دنیا آفریده نشده است، که پیامبر (ص) فرمودند: «هر کس چیزی را طلب کند که آفریده نشده است خود را به زحمت انداخته و چیزی نصیب او نمی شود. گفتند: یارسول الله آن چیست که خلق نشده است؟ فرمودند: «الراحه فی الدنيا» (شعیری، ۱۴۱۴: ۵۱۷) آسایش در دنیا خلق نشده است. باید بپذیریم که مشکلات قسمتی از زندگی ما هستند که «مع کل فرحه ترحه» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۷۷، ۱۸۷) با هر آسایشی مشکل و ناراحتی وجود دارد.

حضرت امام رضا (ع) صبر و شکیبایی را از ارکان ایمان می دانستند و در این باره فرموده اند: «لا یتکمل عبد حقیقه الایمان حتی یتکون فیهِ، خصال ثلاث، التفقه فی الدین و حسن التقدیر فی المعیشه و الصبر علی الرزایا» (حرانی، ۱۴۰۱: ۱۷۹) هیچ بنده ای حقیقت ایمان را به کمال نرساند، مگر اینکه در او سه خصلت باشد: در علم دین بصیرت پیدا کند و در معیشت اندازه نیکو نگه دارد و بر بلایا صبر و شکیبایی نماید.

سختی ها بر اساس تقدیر الهی است و تقدیر الهی به مصلحت انسان هاست. آنچه در اختیار ماست واکنش ما به موقعیت ناخوشایند و ناملایم است، هر سختی مدتی دارد که سرانجام به پایان می رسد. هنگامی که فرزند «معاذبن حبل مرد»، پیامبر (ص) تسلیت نامه ای برایش فرستاد و این جمله را نوشت: «و اعلم ان الجزع لایرد میتا و لا یدفع قدرا فأحسن العزاء و تنجز الموعود». (حرانی، ۱۴۰۱: ۵۹) بی تابی کردن نه مرده را بر می گرداند و نه تقدیر را دفع می کند، پس به نیکی عزادار باش و وعده الهی را قطعی بدان و نسبت به آنچه بر تو و بر همه مردم حتمی است و به تقدیر الهی نازل شده تاسف نخور.

تجربه نشان داده که سختی های فراوان آمده و رفته اند و هیچ یک از آنها باقی نمانده است، که حضرت علی (ع) فرمودند: «ان بقیة لم یبق الهم» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ج ۲۰، ۳۴۰) اگر تو باقی بمانی اندوه باقی نخواهد ماند. لذا؛ در این دنیای ناپایدار نه خوشی پایدار است و نه ناخوشی باقی می ماند.

خداوند در بعضی آیات قرآن مومنان را در برابر حوادث و رویدادهای سخت به صبر و پایداری فرا می خواند: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشِئٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمْرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (قرآن، سوره بقره، آیه ۱۵۶) و قطعاً شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم و شکیبان را مژده ده.

به علت نقش مهمی که صبر در رشد و تعالی انسان بر عهده دارد، پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) درباره آن بسیار سخن گفته اند و آن را یکی از ارکان مهم ایمان و گاهی برابر با کل ایمان دانسته اند که از جمله پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الایمان نصفان، نصف فی الصبر و نصف و فی الشکر» (ابولفتوح، ۱۳۵۴: ج ۵، ۱۶۸) ایمان دو نیمه است، یک نیمه صبر و یک نیمه شکر است و حضرت امیرالمومنین (ع) فرمودند: «الایمان علی اربع دعائم: علی الصبر و الیقین و العدل و الجهاد» ایمان بر چهار ستون استوار است. صبر و شکیبایی، یقین و باور، عدل و داد و جهاد و کوشش در راه دین خدا و همچنین، در باره اهمیت صبر از پیامبر بزرگوار اسلام پرسیدند که ایمان چیست؟ حضرت فرمودند: «الصبر» (غزالی، ۱۴۰۱: ج ۴، ۹۱) حضرت امام رضا (ع) فرمودند: هنگامی که روز

## بهترین کترانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

قیامت فرا رسد و همه مردم در صحرای محشر حاضر شوند، منادی از طرف خداوند ندا می کند و می گوید: « این الصابرين؟ » صابرين کجا هستند؟ در این وقت گروهی از میان خلائق بلند می شوند و خود را معرفی می کنند. هنگامی که صابرين مشخص شدند، به آنها گفته می شود، بدون حساب وارد بهشت شوید. آنها وارد بهشت می شوند. در بهشت فرشتگان از آنان می پرسند، کار شما در دنیا چه بود که به این مقام و منزلت رسیدید؟

صابران در جواب می گویند: «کنا نصبر علی طاعه الله و نصبر عن معاصی الله» در رابطه با اطاعت و عبادت الهی صبر و شکیبایی در مقابل معاصی و گناهان خویشتن داری می کردیم.

فرشتگان می گویند: آری این اجر و نعمت عظیم، حق کسانی است که در دنیا این گونه به خوبی و درستی عمل می کردند(فقه الرضا، ۱۴۰۶: باب ۱۰).

امام رضا (ع) از اقسام صبر، شکیبایی در برابر محرمات و معاصی را از همه اقسام آن والاتر و با ارزش تر می دانند، زیرا دوری از معاصی و صبر در برابر آن انسان را به کمال می رساند و هر لحظه به خدا نزدیک تر و نزدیک تر می کند تا به جایی می رساند، که به قول سعدی:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

بنگر تا چه حد است مکان آدمیت

(سعدی، ۱۳۵۶: ۲۷۵)

برای روبرو شدن با مشکلات راهکارهای زیر پیشنهاد شده است:

۱. به خوشی آینده فکر کنید و این که این ناخوشی ها به پایان خواهد رسید و شادمانی خواهد آمد و به زودی این مشکل و سختی از بین خواهد رفت.

۲. اگر مشکلی و سختی برای شما پیش آمده، لذت ها و خوشی های گذشته را یادآوری کنید و به خود بگویید: در کنار آن همه خوشی، این ناخوشی چیز مهمی نیست. این در کنار آن همه نعمت که خداوند عطا کرده است تحمل این مشکل چیز مهمی نیست.

۳. پاداش تحمل مشکلات و صبر در مصایب را یادآوری کنید، که به خاطر این مصیبت و سختی چه پاداشی خداوند برای آن جایگزین کرده است. برای تسکین آلام خویش به یادآورید، که در روایات آمده است هر پیامبری که سراغ همنشین خود را از خدا می گرفت، خدا گرفتارترین انسان روی زمین را به او نشان می داد و می فرمود: به سراغ او برو، او همشان تو در بهشت است (حرانی، ۱۴۰۱: ۴۰۵).

به خاطر داشته باشید که انسان تا زمین نخورد، راه رفتن را نمی آموزد.

### ۵. قانع بودن

در یکی از صبحگاهان حضرت علی (ع) از حضرت فاطمه (س) پرسیدند، آیا غذایی داری تا گرسنگی ام را برطرف کنم؟ آن حضرت پاسخ دادند: به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید، سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی ندارم. آنچه بود به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود استفاده نکردم.

حضرت علی (ع) با تأسف فرمودند: فاطمه جان چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟

## بهترین کتیرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

حضرت پاسخ دادند: «یا اباالحسن انی لاستحیی من الهی ان اکلف نفسک ما لا تقدر علیه» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۳۷، ۱۰۳) من از پروردگار خود حیا می‌کنم، چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری.

همچنین درباره قناعت حضرت فاطمه (س) سلمان فارسی نقل کرده است: روزی آن حضرت را دیدم که چادری و صله‌دار و ساده برسد داشت. با شگفتی گفتم: عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و لباس‌های فاخر می‌پوشند. حضرت زهرا (س) فرمودند: «یا سلمان! ان الله ذخر لنا الثیاب و الکرسی لیوم آخر» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۸، ۳۰۳) ای سلمان! خداوند بزرگ لباس‌های فاخر و تخت‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.

سپس حضرت فاطمه (س) به خدمت رسول خدا رفتند و این شگفتی سلمان را مطرح کردند و فرمودند: «ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمودند، مدت پنج سال است فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می‌خورد و شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و بالش ما چرمی از لیف خرما پر شده است» (مجلسی، ۱۴۰۰: ج ۸، ۳۰۲).

قانع بودن کلید رضایت از زندگی است که زندگی را شیرین و گوارا می‌سازد. امام صادق (ع) فرمودند: «به آنچه خدا قسمت کرد، قانع باش تا زندگی شاد و راحتی داشته باشی» (راوندی، ۱۴۰۹: ۱۵۹).

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «لا تَمُدَّنَّ عَیْنُکَ الی ما مَتَّعْنَا بِهِ اِزْوَاجًا مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَکَ لِلْمُؤْمِنِینَ» هرگز چشم خود را به نعمت‌هایی که به گروه‌هایی از آن‌ها دادیم میفکن و به خاطر آن چه آن‌ها دارند، غمگین مباش و بال و پر خود را بر مومنان فرو آر و آن‌ها را زیر پوشش مهر و محبت خود قرار ده (قرآن: حجر، ۸۸).

پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «هرگز به آنچه در دست دیگران است چشم ندوز، زیرا اندوه تو طولانی خواهد شد و حسرتت پایان نپذیر و نعمت‌هایی که خداوند در اختیار قرار ده کوچک می‌شمارد و در نتیجه شکر و سپاس تو به خدا کم می‌شود، پس همواره در زندگی ات به پایین‌تر از خود نگاه کن». (علی بن محمد لیثی، ۱۳۷۶: ۵۲۰) به فرموده پیامبر اسلام (ص) انسان در زندگی باید قانع باشد و اگر خواست زندگی خود را مقایسه کند، با آن کس بسنجد که از لحاظ ثروت دنیایی از او پایین‌تر است، تا هم دارایی خودش برایش آشکار شود و شکر نعمت به جا آورد و همچنین وقتی خود را با پایین‌تر از خود مقایسه کرد، خواهد فهمید که زندگی او آن قدر هم که فکر می‌کند، سخت و غیر قابل تحمل نیست. زیرا دیگران را دیده است که با مشکلات بیشتر از او زندگی می‌کنند؛ لذا یکی از عوامل احساس رضایت و خوشبختی خانواده‌ها قانع بودن است.

### ۶. راضی به رضای خدا بودن

حضرت زهرا (س) فرموده اند: «رضیت بمرضی الله لی و رسوله» (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۵: ج ۳، ۳۴۴) خشنودم به آنچه خدا و پیامبر (ص) او برای من رضایت دادند.

انسان مسلمان بر این عقیده دارد که جهان بر اساس حکمت الهی در حرکت است و هیچ حادثه‌ای در زندگی انسان بدون حکمت و دلیل نیست. اگر به فلسفه زندگی دست یابیم آن گاه در آسایش و راحتی زندگی خواهیم کرد. استاد مطهری می‌گوید: «در شکم مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، سعادت است» (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۱، ۱۳۴).

فلسفه وجود دنیا پرورش استعدادهای نهفته انسان است و ابزار این پرورش، ناراحتی‌هایی است که برای انسان پیش می‌آید. از کجا درد و رنج‌هایی که به صورت ظاهر به ما رو می‌آورد برای بهبود بخشیدن بیماری روانی ما مفید نباشد و از رنجی که ظاهراً برای

## بهترین کتیرانس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

درمان بیماری های فرزندان و خانواده تحمل می کنیم، برای تلطیف روح ما و ابزار محبت بیشتر و تزکیه اخلاقمان فایده نداشته باشد. حکیم علی الاطلاق آن را بهتر تشخیص می دهد و ما را بدان اطلاع و راهی نیست و تنها تسلیم و رضاست که می تواند ما را خوشبخت سازد. اشتباه ما اینجاست که هر چه را خود طالبیم و در پی آن می رویم و در حسرتش عمری تباه می سازیم تصور می کنیم وسیله خوشبختی است. بسیاری از ناراحتی های ما به خاطر از دست دادن چیزهایی است که داشته ایم، حال آنکه اگر چیزی را از دست دادیم، فکر کنیم آن را اصلاً نداشته ایم در آرامش به سر خواهیم برد. حضرت علی فرمودند: «ان كنت جازعا علی ما تفلت من یدک، فاجزع علی کل ما لم یصل الیک» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: ۱۴۳) اگر برای آنچه از دست داده ای ناراحت باشی و بی تابی کنی، پس باید برای همه آن چیزهایی که به دست نیآورده ای هم بی تابی کنی.

اگر حادثه های ناخوشایند زندگی و کاستی های آن را حادثه ای تلخ ندانیم، تحمل آن مشکل و غیر قابل تحمل خواهد بود. اما اگر آنها را از جانب خدا و آن سختی را هم لطف بدانیم آن گاه هضم آن برایمان آسان تر خواهد بود.

### ۷. خوشرویی و احساس شادمانی

حضرت فاطمه (س) هیچگاه با چهره های عبوس دیده نشد و در این باره فرموده اند: «بشر فی وجه المؤمن یوجب لصاحبه الجنة و بشر فی وجه المعاند المعادی یقی صاحبه عذاب النار» (تفسیر امام حسن عسگری (ع)، ۱۴۰۹: ۳۵۴) پاداش خوشرویی در برابر مؤمن بهشت است و خوشرویی با دشمن انسان های ستیزه جو، انسان را از آتش عذاب باز می دارد.

انسان مرهون خوش رویی است، زیرا بهترین احسان نیکی به شخصیت افراد در برخورد های اولیه و نشست های گوناگون خواهد بود. خوشرویی شیوه ای شایسته در جلب دوستی ها و روشی پر جاذبه برای تمام افراد است.

پروردگار مهربانی اش را صد قسمت کرده است؛ ۹۹ بخش آن را نزد خود نگه داشته و یک جزء آن را به زمین فرستاده است. از همین یکصدم است که مردم به یک دیگر محبت دارند. لذا، بهترین کارها پس از ایمان به خدا، مهربانی و خوشرویی و شادمانی است.

اساساً سرور و شادمانی یکی از نیازهای انسان است، که حضرت امیرالمومنین (ع) فرمودند: «السرور یبسط النفس و یشیر النشاط» (عبدالواحد الامدی، ۱۳۶۶: ۳۱۹) شادمانی موجب می شود نفس انسان گشوده و نشاط او برانگیخته شود.

مرحوم محدث قمی از قول رسول خدا، حضرت محمد (ص) نقل کرده که فرموده اند: «افضل الاعمال بعد الصلوه ادخال السرور فی قلب المؤمن بما لا اثم فیه» (محدث قمی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۶۱۴). بالاترین اعمال بعد از نماز، شاد کردن دل مومن است، به آنچه که گناه در آن نباشد.

شیوه برخورد انسان مومن باید به گونه ای باشد، که دیگران از دیدن چهره او فرحناک و شادمان شوند. نه این که با دیدن او آتش غم در دلهایشان افروخته شود.

انسان برای اینکه بتواند با دیگران خوش رفتار باشد، نیاز به احساس شادمانی در وجود خود دارد تا بتواند این شادمانی را در چهره اش آشکارا سازد.

به دست آوردن احساس شادمانی با رعایت موارد ذیل امکان پذیر خواهد بود:

۱. سعی کنید، خاطرات خوش زندگی و تجربه های شیرین موفقیت های عمر خود را به خاطر بیاورید و برای دیگران هم تعریف کنید، که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرمودند: «زیبایی های زندگی را به خاطر بیاورید» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۲۰۱).



## هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۲. ویژگی های نیکوی خود را روزی چند بار مرور کنید.
۳. کارهایتان را دست کم نگیرید و به خود ببالید.
۴. برای زندگی برنامه با اهداف واضح و روشن داشته باشید و نظم در امور زندگیتان حاکم باشد.
۵. برای خودتان زندگی کنید نه برای دیگران، منتظر نباشید که مردم درباره شما چه خواهند گفت. آن طور که مصلحت خودتان است زندگی کنید.
۶. با طبیعت ارتباط داشته باشید، که باعث شادی روح شما خواهد شد.
۷. ارتباط با عالمان فرهیخته و دوستان باوفا داشته باشید. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «دوستان بسیار پیدا کنید، زیرا خدا با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیر بنده خود را میان برادرانش عذاب کند» (احمدبن حنبل، ۱۴۰۶: ج ۳، ۴۳۶).
۸. به خود بفهمانیم که خداوند از روز اول خلقت ما را با نشاط آفریده، روح سرشار از دانایی و محبت به ما عطا کرده است، پس با آنچه در وجود خود داریم، از کار و فعالیت جسمانی و روانی به خوبی می توانیم خوشبخت و شادمان زندگی کنیم (پریور، ۱۳۵۳: ۱۳۸).
۹. خواندن حکایات شیرین و کلمات زیبا و شعرهای شادی آور را فراموش نکنید. که حضرت علی (ع) فرمودند: «به درستی که دل و روح انسان مانند بدن ملالت پیدا می کند، این ملالت و بیماری را با حکمت های تازه و نو بزدايید» (نهج البلاغه، ۱۳۶۹: ۲۰۵).

### یافته های تحقیق

برای پیشرفت تمدن نوین اسلامی باید همه نیازهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی انسان ها شناخته شود و از همه ظرفیت ها برای رشد و تعالی انسان استفاده کرد. از آنجا یکی از بارزترین ویژگی های شخصیتی حضرت زهرا (س) ارتباط عمیق معنوی او با خداست، که در کثرت عبادت و خویشانداری حضرت تجلی نموده است. آن حضرت در زندگی اصولی معنوی خاصی را رعایت کرده اند، که به یقین با پیروی از سبک زندگی معنوی آن بزرگوار، باعث پیشرفت تمدن نوین اسلامی خواهد شد.

برخی از این اصول عبارتند از:

۱. انسان باید به خدا توکل داشته باشد و با اعتماد به او بداند که هر چه از طرف خداوند به انسان می رسد خیر است.
۲. به افراد خوش بین باشد، تا بتواند دوستی آنها را بدست آورد و به آرامش قلبی برسد.
۳. در برابر مشکلات صبر و شکیبایی داشته باشد و بداند هر مشکلی به پایان خواهد رسید.
۴. زندگی را به خود آسان بگیرد و از تکلف دوری کند.
۵. باید به آنچه خداوند به ما عطا کرده است، قانع باشیم.
۶. انسان باید با دیگران با خوشرویی و شادمانی برخورد کند و این احساس شادمانی را در خود ایجاد کند.
۷. یکی دیگر از اصول معنوی، مهرورزی و محبت به دیگران است، که انسان را به شادمانی و کامیابی می رساند و باعث پیشرفت تمدن نوین اسلامی می شود.

### منابع

۱. آنتونی گیدنز، (۱۳۷۸). جامعه و هویت شخصی. ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی، تهران.
۲. ابادری، یوسف و چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱). از طبقه تا سبک زندگی. تهران: دانشگاه علوم اجتماعی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالله هبه، (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. بیروت: نشر دارالاحیاء.

## هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۴. ابن خلدون، (۱۳۷۵). مقدمه ابن خلدون. ترجمه محمد گنابادی، تهران: نشر علمی فرهنگی، چاپ هشتم.
۵. ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی شهر آشوب مازندرانی، (۱۳۶۵). مناقب. تهران: انتشارات علامه.
۶. ابوالفتح رازی، (۱۳۵۴). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۷. احمد بن محمد بن حنبل شیبانی، (۱۴۰۶). مسند احمد بن حنبل. بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربی.
۸. اخطب خوارزمی، (۱۳۵۶). مقتل الحسین. تحقیق محمد سماوی، قم: مکتب المفید، قم.
۹. المودودی، ابوالاعلی، (۱۹۷۰). الحضارة الاسلامیة اسسها و مبادئها. ترجمه محمد عاصم الحداد، بیروت: نشر العربیة للطباعة والنشر، چاپ اول.
۱۰. پریور، علی، (۱۳۵۳). خوشبختی مقدر است. تهران: انتشارات اقبال.
۱۱. حسن بن علی الحرانی، (۱۴۰۱). تحف العقول. قم: موسسه نشر اسلامی.
۱۲. حسن بن محمد دیلمی، (۱۴۱۵). ارشاد القلوب. قم: انتشارات شریف الرضی.
۱۳. دشتی، محمد، (۱۳۷۴). نهج الحیاء. قم: نشر رساله.
۱۴. جعفری، محمد تقی، (۱۳۵۹). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۵. حسین النوری، معروف به محدث نوری، (۱۴۰۷). مستدرک الوسائل. قم: موسسه آل البيت (ع).
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۰۱). مفردات. بیروت: نشر دارالفکر.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۸). تهران: نشر امیرکبیر، چاپ سوم.
۱۸. ساموئل هانتینگتون، (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن ها. ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول.
۱۹. سعدی، مصلح الدین محمد، (۱۳۵۶). کلیات سعدی. تهران: نشر مرجان.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب اسلامیة.
۲۱. طبرسی، علی بن حسن (۱۴۰۱). مشکاه الانوار. نجف اشرف: الحیدریه، چاپ اول.
۲۲. عبدالواحد الآمدی، (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: نشر تبلیغات اسلامی.
۲۳. عسگری، امام حسن (ع)، (۱۴۰۹). تفسیر امام حسن عسگری (ع). قم: نشر مدرسه امام مهدی (عج).
۲۴. علی بن محمد لیثی، (۱۳۷۶). عیون الحکم والموعظ. قم: نشر دارالحديث.
۲۵. فقه الرضا، (۱۴۰۶). مشهد: موسسه آل البيت.
۲۶. قرآن، (۱۳۳۸). ترجمه الهی قمشه ای. تهران: نشر محمد علی علمی.
۲۷. قطب الدین راوندی، (۱۴۰۹). قصص الانبیا. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
۲۸. قمی، شیخ عباس، (۱۳۶۵). سفینه البحار. تهران: نشر جامعه.
۲۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۰). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفا.
۳۰. محمد بن الحسن معروف به حر عاملی، (۱۴۰۹). وسایل الشیعه. قم: نشر موسسه آل البيت (ع).
۳۱. محمد بن علی بن الحسین بابویه، معروف به شیخ صدوق، (۱۴۰۴). عیون اخبار الرضا. بیروت: نشر موسسه الاعلمی.
۳۲. محمد بن علی بن الحسین بابویه، معروف به شیخ صدوق، (۱۳۷۶). الامالی. قم: موسسه البعثة.
۳۳. محمد بن محمد شعیری، (۱۴۱۴). جامع الاخبار. قم: نشر موسسه آل البيت (ع).
۳۴. محمد بن محمد غزالی، (۱۴۰۱). احیاء علوم الدین. بیروت: نشر دارالمعرفه.
۳۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴). مجموعه آثار. تهران: صدرا، تهران.

## هفتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۳۶. معین، محمد، (۱۳۵۴). فرهنگ معین. تهران: نشر امیر کبیر.
۳۷. ملکیان، مصطفی، (۱۳۷۹). معنویت و محبت چکیده همه ادیان. تهران: نشر آفتاب.
۳۸. منصوری، جواد و دیگران (۱۳۸۱). انقلاب اسلامی و معنویت گرایی. تهران: فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره
۳۹. نهج البلاغه، (۱۳۶۹). قم: نشر امام علی (ع).
۴۰. ویل دورانت، (۱۳۸۱). تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

هفتمین کنگره اس‌کوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از اس‌کوی پایه به سوی اس‌کوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷